

فوتبال ایران، شوخی با مفهومی به نام فوتبال حرفه‌ای

بلا تکلیفستان!



می‌دادند در آزادی به میدان بروند. آلومینیوم در همین استادیوم آزادی هم از اراک زیاد بود و انتخابش برای برگزاری چنین مسابقه‌ای عقلا نه به نظر نمی‌رسید. البته این تصمیم در سازمان لیگ فوتبال ایران قابل درک است. چرا که این نهاد اساساً طرفدار دیدارهای فوتبال کم تماشاگر با سکوهایی بسیار خلوت به نظر می‌رسد. هر دو باشگاه به این تصمیم اعتراض داشتند و ترجیح بازی را به دلیل اصرار مفرط دو باشگاه

به آزادی منتقل کند. بـسـا یـن وجود باز هم زمزمه‌هایی از انجام بازی در تبریز به گوش می‌رسید. آن هم در شرایطی که تنها ۴۸ ساعت به برگزاری مسابقه باقی مانده بود. اتفاق عجیب دیگر، احتمال بدون تماشاگر بودن مسابقه بود. برای یک لحظه تصور کنید که برای برگزاری همین بازی ساده نیز، چه هرچ و مرجی در فوتبال ایران رقم خورده است. طبیعتاً

هواداران دو باشگاه باید بر نامهربانی کنند تا برای این بازی راهی تهران شوند اما اینکه آنها در فاصله‌ای کوتاه با شروع بازی هنوز از سر نوشت باز یا بسته بودن در خابـر نـدارنـد، حیرت‌آور به نظر می‌رسد. اتفاقی که تنها مختص فوتبال ایران است. خیال نکنید که چنین ماجراهی، فقط به همین سازمان لیگ و همین

آریا رهنورد

عصر فردا، نساجی و آلومینیوم باید فینال جام حذفی را برگزار کنند اما هر دو باشگاه همچنان در بلا تکلیفی محض هستند. فدراسیون فوتبال کشوری که زمانی ادعای مدیریت ست جهان را داشت، حتی از پس برگزاری یک فینال ساده نیز بر نمی‌آید. تا امروز چندین بار میزبان جام حذفی تغییر کرده و مدام خبرسانی‌های مختلفی درباره حضور یا عدم حضور تماشاگرها در این بازی به چشم خورده است. خنده‌دار است اما فوتبال ایران در چنین وضعیتی، بازستی انسان دوستانه (!) خواهان کمک به قطر برای میزبانی جام جهانی هم بود. شما فینال حذفی خودتان را برگزار کنید و وقتی جام جهانی قطر شروع شد، فقط به «تماشا» مشغول باشید. اینکه چرا آنها می‌توانند و شما نه، سوالی است که باید پاسخش را از شامبشنیوم.

در فاصله‌ای کوتاه با برگزاری آخرین مسابقه فصل جام حذفی، دو تیم فینالیست به تمرکز نیاز دارند اما مگر سازمان لیگ اجازه می‌دهد چنین تمرکزی در دو باشگاه شکل بگیرد؟ ابتدا با نظر عجیب سازمان لیگ، تبریز به عنوان میزبان دیدار فینال انتخاب شد. شهری که فاصله‌اش هم از قانمشهر و هم از اراک زیاد بود و انتخابش برای برگزاری چنین مسابقه‌ای عقلا نه به نظر نمی‌رسید. البته این تصمیم در سازمان لیگ فوتبال ایران قابل درک است. چرا که این نهاد اساساً طرفدار دیدارهای فوتبال کم تماشاگر با سکوهایی بسیار خلوت به نظر می‌رسد. هر دو باشگاه به این تصمیم اعتراض داشتند و ترجیح

چهره به چهره

نگاهی به عملکرد نمایندگان ایران در لیگ قهرمانان آسیا

ستاره‌ای به اسم نکو

آریا طاری

در فاصله یک هفته به پایان دور گروهی لیگ قهرمانان آسیا، فولاد خوزستان صعودش را به مرحله بعدی قطعی کرده و سپاهان هم روی کاغذ هنوز برای رسیدن به دور حذفی شانس دارد. آن چه در این مرحله اما به شدت به چشم آمده، درخشش و نظم بازی تیم اهوازی با هدایت جواد نکونام است. یک مربی جوان و جاه طلب که نشان داده با پیشرفت دائمی و حرکت رو به جلو در فوتبال اصلاً غریبه نیست. نکو حالا یکی از مهم‌ترین تجربه‌های دوران فوتبالتش را در فولاد سپری می‌کند.

فولاد؛ به دنبال سرگروهی

صعود فولاد به مرحله بعدی لیگ قهرمانان آسیا قطعی شده اما این اصلاً به معنی تشریفاتی بودن جدال آخر این تیم با شباب الاهلی نیست. چرا که



انتظار تا ابر آورده نکرده‌اند. باشگاه شباب الاهلی، هزینه‌های سنگینی برای این دو نفر انجام داد و انتظار داشت با جذب مهدی و احمد، صاحب دو فوق ستاره شود اما عملکرد آنها کاملاً معمولی بوده است. مهدی شروع نسبتاً خوبی در الاهلی داشت و در چند مسابقه هواداران این تیم را به وجد آورد اما به مرور زمان افت کرد و دیگر در ترکیب دیده نشد. احمد در نقطه مقابل، در شروع اصلاً آماده نبود و به مرور زمان بهتر شد اما باز هم عملکرد قابل دفاعی در الاهلی نداشت. هر دو نفر به احتمال قریب به یقین در پایان فصل در فهرست مازاد باشگاه قرار می‌گیرند.

سر مربی الاهلی، مرزبندی‌اش را با ستاره‌های ایرانی به وضوح روشن کرده است. او با انتقاد از رفتار غیر حرفه‌ای قایدی، او را به خاطر تفریح مداوم به جای تمرکز روی فوتبال، مورد سرزنش قرار داده است. این اتفاق در حالی رخ داده که لیگ امارات می‌توانست یک سکوی پرتاب بسیار مهم برای این بازیکن باشد. به نظر می‌رسد نوراللهی نیز همین شیوه را در پیش گرفته و اولویت‌هایی به جز فوتبال در این کشور داشته است. مهدی و احمد به امارات رفتند تا این لیگ، دروازه‌ورودشان به فوتبال اروپا باشد. درست مثل همان اتفاقی که برای علی کریمی و بعضی چهره‌های شاخص دیگر در این لیگ رخ داده بود. با این وجود آنها به سر نوشت بازیکنانی دچار شده‌اند که بعد از یک دوره ناامادگی مطلق در لیگ‌های عربی، چاره‌ای به جز بازگشت به لیگ ایران نداشته‌اند.

مهدی و احمد، خوش شانس هستند که جام جهانی این بار در تابستان برگزار نمی‌شود. در غیر این صورت احتمال دعوت نشدن آنها به تیم ملی بسیار بالا بود. این دو نفر فرصت کوتاهی دارند تا بلایت قطر برای‌شان از بین نرود. آنها باید به هر قیمتی خودشان را نجات بدهند و این کابوس را پشت سر بگذارند.

مدیرها برمی‌گردند. این عادت همیشگی مدیرانی بوده که برای سال‌ها در فوتبال ایران فعال بوده‌اند و بی‌نظمی را دوره به دوره گسترش داده‌اند. حتماً به خاطر دارید که با اصرار فدراسیون فوتبال، برای چند سال دیدارهای فینال حذفی در خرمشهر برگزار می‌شد. یک انتخاب «تصادفی» برای انتقال بازی به چمنی که روی آن فوتبال بازی کردن به هیچ قیمتی ممکن نبود. یعنی فدراسیون برای نمادگرایی، فوتبال را قربانی کرد و موجب شد بخشی از بی کیفیت‌ترین دیدارهای تاریخ جام حذفی در این شهر رقم بخورند. حتی بعد از آن نیز انتخاب میزبان همیشه با در دسرهای زیادی همراه بود و تقریباً در هیچ شرایطی فینالیست‌ها از وضعیت‌شان در بازی‌های نهایی رضایت نداشتند. جام حذفی یکی از مهم‌ترین مسابقه‌های

فوتبال در هر فصل به شمار می‌رود. این بازی به نوعی ویت‌ترین فوتبال ایران است و حتی احتمال دارد مخاطبانی از کشورهای دیگر نیز داشته باشد. این میزان بی‌توجهی و سهل انگاری نسبت به وضعیت ایده‌آل برگزاری این بازی، در نوع خودش باورنکردنی به نظر می‌رسد. در چنین شرایطی تیم‌ها در اوج نگرانی و سرگیجه به فینال می‌رسند و طبیعتاً آمادگی چندانی برای انجام دیدار فینال ندارند. نساجی و آلومینیوم، باشایستگی راهی فینال حذفی شده‌اند. هر دو تیم مسیر بسیار سختی را طی کرده‌اند و کار دشواری برای رسیدن به این مرحله داشته‌اند. با این وجود به نظر می‌رسد اصـلی‌ترین رقیب آنها برای بردن این جام، سازمان لیگ باشد. اگر واقعاً امکان برگزاری فینال با انتخاب

هم‌دامه بدهند. لوسیانو پری را درست مثل همیشه بادوندگی فوق العاده و آمادگی مثال زدنی، ستاره مهم فولاد در لیگ قهرمانان بوده است. بازیکنی که این هفته نیم گل مهم تیمش را روبه روی الغرافه قطر به ثمر رساند.

سپاهان؛ این آخرین فرصت است

نمایش سپاهان روبه‌ری پاختاکور نمایش چندان مطلوبی نبود. تیم محرم در بسیاری از دقایق این بازی، اصلاً خوب بازی نکرد اما به لطف فرصت طلبی سجاد شهباززاده، به مسابقه و به جام برگشت. درست قبل از گل دوم سجاد، توپ به تیر دروازه سپاهان برخورد کرده بود. توپی که می‌توانست سپاهان را در مسیر شکست و حذف از لیگ قهرمانان آسیا قرار بدهد. به هر حال سپاهان همچنان زنده است و یک شانس دیگر برای ماندن در لیگ قهرمانان آسیا دارد. شانس‌ی که البته برای این تیم بسیار سخت خواهد بود. سپاهان باید در دیدار پایانی، روبه‌روی الدحیل قرار بگیرد. نکته مثبت برای طلایی‌ها این است که صعود و حتی سرگروهی الدحیل از قبل قطعی شده و احتمال دارد این تیم با سافرات ذخیره

دریافت کرده و مثل همیشه به لحاظ دفاعی، یک تیم مهار نشدنی بوده است. آنها با سه برد و دو تساوی، صدرنشین گروه هستند و توانسته‌اند صعودشان را قطعی کنند. این موفقیت بیشتر از هر کسی، به جواد نکونام تعلق دارد. کسی که ثابت کرده است تا برد داشتن قدم‌های تدریجی در دنیای فوتبال است. جواد به عنوان بازیکن ابتدا در لیگ برتر ایران درخشید، سپس برای مدتی به یک لیگ عربی رفت و از آن جا به یکی از بهترین لیگ‌های دنیای فوتبال ملحق شد و سال‌ها در این موقعیت درخشید. او به عنوان مربی نیز از دستبازی شروع کرد، سپس به رقابت‌های لیگ یک رفت، از آن جا لیگ برتری شد و حالا نیز تجربه دلچسپی را در آسیا پشت سر گذاشته است. موفقیت فولاد بدون داشتن ستاره‌هایی با دستمزدهای نجومی، حتی برای رقبای عربی نیز عجیب و غافلگیرکننده به نظر می‌رسد. البته که این تازه شروع راه است و فولاد هنوز کارهای زیادی برای انجام دادن در رقابت‌های این فصل لیگ قهرمانان دار اما عملکرد داین باشگاه تا همین جانی بسیار درخشان بوده است. آنها امیدوارند که این عملکرد خوب را در دور حذفی

روبه‌روی سپاهان قرار بگیرد. با این وجود خبر بد برای آنها این است که حذف پاختاکور از آسیا نیز قطعی شده و این تیم هم انگیزه زیادی برای دیدار آخر با التعاون نخواهد داشت. اگر التعاون در دیدار همزمان به برتری دست پیدا کند، دیگر نتیجه بازی سپاهان اصلاً مهم نخواهد بود. چرا که در لیگ قهرمانان آسیا بازی ورودر و بین تیم‌ها ملاک است و در چنین شرایطی، التعاون نسبت به سپاهان برتری دارد. اگر در روز پایانی سپاهان الدحیل را شکست بدهد و التعاون در بازی همزمان برنده نباشد، طلایی‌ها راهی مرحله بعدی خواهند شد. اگر سپاهان روبه‌روی الدحیل به تساوی برسد و التعاون شکست بخورد، باز هم سپاهان صعود خواهد کرد. با این وجود شانس صعود این تیم روی کاغذ اصلاً زیاد به نظر نمی‌رسد. سپاهان تیمی به مراتب پرمهرتر از فولاد است اما در مجموع فصل خوبی را سپری نکرده و حذف احتمالی از آسیا، ناکامی این تیم را تکمیل خواهد کرد. شاید این ناکامی، دیگر به‌طور رسمی به دوران حضور نویدکاری‌وری نیمکت این تیم پایان بدهد.

از رسیدن به مدال بازماندند. پژمان درستکار هم تیم جوانی را روانه آسیا کرد. شاگردان او اما نتوانستند با کسب عنوان قهرمانی بر بام قاره بایستند. در پایان سی و پنجمین دوره رقابت‌های کشتی آزاد بزرگسالان قهرمانی آسیا، تیم ایران با ۶ مدال طلای رحمان عموزاد در وزن ۶۵ کیلوگرم، یونس امامی در وزن ۷۴ کیلوگرم، علی سوادکوهی در وزن ۷۹ کیلوگرم، امیرحسین فیروزپور در وزن ۹۲ کیلوگرم، محمدحسین محمدیان در وزن ۹۷ کیلوگرم و یداله محبی در وزن ۱۲۵ کیلوگرم، مدال نقره داریوش حضر تقلی‌زاده در وزن ۶۱ کیلوگرم و مدال برنز محسن مصطفوی در وزن ۸۶ کیلوگرم و کسب ۲۰۱ امتیاز قهرمانی را مثل دوره قبل تصاحب کرد. در این قهرمانی شاید بیش از هر مدالی، قهرمانی عموزاد خلیلی و فیروزپور به چشم آمد. دو طلایی که توسط دو کشتی‌گیر ۱۹ ساله به دست آمد. اتحادیه جهانی کشتی هم بعد از رقابت‌ها به این دو کشتی‌گیر پرداخت. عموزاد که در قهرمانی جهان نروژ از رسیدن به مدال باز مانده بود، در آسیا خود را وارد فهرست طلایی‌ها کرد تا نشان بدهد چقدر برای درخشش در میادین بین‌المللی انگیزه دارد.

در هر حال با توجه به اینکه مسابقات قهرمانی آسیا به عنوان یکی از مراحل چرخه انتخابی تیم ملی در نظر گرفته می‌شود، مدال آوران و به خصوص طلایی‌های این میدان مسیر راحت‌تری برای حضور در میادین مهم پیش رو دارند. در همین جای کار طلایی‌های کشتی آزاد از حضور در جام تختی که خرداد برگزار می‌شود، معاف هستند. این بچه‌ها اگر در همین مسیر بمانند، در آینده حرف‌های بیشتری برای گفتن خواهند داشت.